پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۲۰۵ـ۱۸۵ (مقاله پژوهشی)

No. 28, Spring & Saummer 2021

تحلیل محتوایی روایات قیام خراسانی و پرچم‌های سیاه در منابع حدیثی اهل‌سنت

سیدضیاءالدین علیانسب[۱]، صمد بهروز[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۶/۱۶ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۰/۳۰)

چکیده

بخشی از احادیث معصومان(ع) در خصوص وقایع دوران پیش از قیام حضرت مهدی (عج) است. برخی از این روایات، در خصوص پرچم‌ها و شخصیت‌های دوره پیش از ظهور می‌باشد که خراسانی یکی از آنها است. هدف نوشتار حاضر، تحلیل محتوایی روایات اهل سنت در خصوص قیام خراسانی است. با جستجو در منابع حدیثی اهل سنت، مشخص شد در مجموع ۲۲ روایت در خصوص خراسانی و پرچم‌های سیاه، در این منابع نقل گردیده که به بیان ویژگی‌های خراسانی پرداخته و نام، نسب، زمان، مکان، هدف و فرجام قیام خراسانی را تبیین کرده‌است. این پژوهش، با قطع نظر از اعتبار یا عدم اعتبار سندی این روایات، با تحلیل محتوای آنها بدین نتیجه رسیده که خراسانی از بنی‌هاشم و در یک روایت، از اولاد امام‌حسین(ع) معرفی شده و به لحظ سنی جوان، و از لحاظ ظاهری دارای خالی در کف دست راست و طبق برخی روایات، در کتف چپ است. فاصله زمانی بین خروج خراسانی و ظهور حضرت مهدی (عج)، ۷۲ ماه، و در یک روایت، هشت ماه معرفی شده‌است. مطابق این روایات، مکان خروج خراسانی، مشرق و خراسان (ایران) است، فرمانده سپاه، شعیب بن صالح، طرف مقابل او سفیانی است و رنگ پرچمش سیاه و در یک حدیث سفید معرفی شده و در نهایت با حضرت مهدی (عج) در مکه یا بیت المقدس بیعت خواهد کرد.

کلید واژه‌ها: آخرالزمان، نشانه‌های ظهور، امام مهدی(عج)، خراسانی، پرچم‌های سیاه.

---

۱. دانشیار دانشگاه حضرت معصومه، قم، ایران؛ iran134512@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)؛ sa_behrouz@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

۱ـ بیان مسأله

بحث مهدویت از مهم‌ترین مباحث کلامی در عصر حاضر می باشد که روایات زیادی در این زمینه وجود دارد. نشانه‌های قیام حضرت مهدی(عج)، محتوای دسته فراوانی از روایات مهدویت را شامل می‌شود که هم در کتب روایی شیعه و هم اهل سنت نقل شده است. یکی از نشانه‌های مطرح در روایات، خراسانی و پرچم‌های سیاه است که از طرف مشرق خروج می‌کند. این نوشتار در نظر دارد روایات خراسانی و پرچم‌های سیاه را در منابع اهل سنت مورد بررسی قرارداده، محتوای آنها را با قطع نظر از اعتبار یا عدم اعتبار سندی آنها تحلیل نموده و به این پرسش پاسخ دهد که مطابق این روایات، خراسانی از نظر شخصی و شخصیتی دارای چه ویژگی‌هایی است و مشخصات مکان و زمان خروج او چیست و ارتباط قیام وی با ظهور امام مهدی(عج) چه بوده و قیام وی چه نقشی در زمینه‌سازی ظهور آن حضرت می تواند ایفا کند. منظور از روایات اهل سنت، روایاتی است که اولین راوی آن، جزو رجال اهل سنت بوده و اولین منبع آن، منابع حدیثی اهل سنت باشد؛ گرچه برخی از این روایات، در منابع حدیثی شیعی نیز نقل شده و نقل شیعه هم، در برخی موارد، به استناد کتاب‌های اهل سنت است. ذکر این نکته نیز لازم است که قسمتی از روایات پرچم‌های سیاه، مربوط به پرچم‌های سیاه بنی‌عباس است که از هدف این نوشتار خارج است.

در مجموع ۲۲ روایت محوری در منابع حدیثی اهل سنت، در مورد خراسانی و پرچم‌های سیاه نقل شده که البته تعداد اندکی از این روایات، از غیر معصوم نقل شده و برای این که به همه روایات خراسانی پرداخته شود، به ناچار این روایات نیز، در کنار روایات معصومان (ع)، بررسی خواهد شد.

در این پژوهش پس از مفهوم‌شناسی محتوای این روایات، در قالب هشت موضوع محوری زیر، مورد بررسی و تحلیل واقع می‌شود:

۱- ویژگی‌های شخصی خراسانی؛ ۲- ویژگی‌های شخصیتی خراسانی؛ ۳- زمان

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

خروح و دوره‌ی قیام خراسانی؛ ۴- مکان خروح خراسانی؛ ۵- فرمانده سپاه خراسانی؛ ۶- محل وقوع جنگ بین خراسانی و سفیانی؛ ۷- رنگ پرچم و لباس‌های سپاه خراسانی؛ ۸- فرجام قیام خراسانی.[۱]

۲ـ مفهوم‌شناسی واژه‌های مرتبط

پیش از پرداختن به اصل موضوع، به بررسی مفهومی واژه‌هایی که دخیل در مباحث این پژوهش است، پرداخته می‌شود.

۲ـ۱. مفهوم‌شناسی خراسان

خراسان در لغت به معنای مشرق؛ یعنی جای برآمدن آفتاب است. (دهخدا، ذیل ماده

---

۱. با توجه به تحقیقات به عمل آمده، کتاب و نوشته‌ای مستقل در مورد خراسانی در منابع اهل سنت، یافت نشد، اما منابع حدیثی متعددی در مورد فتن آخرالزمان وجود دارد که روایات خراسانی هم از جمله آنها است؛ مانند کتاب «الفتن» از نعیم‌بن حماد مروزی، متوفای ۲۲۸ق، «الملاحم» از احمد ابن جعفر ابن منادی (م۳۳۶)، «عقدالدرر فی أخبارالمنتظر» از یوسف بن یحیی المقدسی(م۶۵۸)، «الغیبه» از محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ق و... نویسندگان معاصر نیز در خصوص مباحث آخرالزمان، کتاب‌هایی را تألیف کرده‌اند که کتاب «فقه علامات‌الظهور» از شیخ محمد سند، «الممهدون للمهدی» از شیخ علی کورانی عاملی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور از مصطفی صادقی، علائم ظهور از علی اصغر رضوانی، رایات الهدی و الضلال فی عصرالظهور از مهدی فتلاوی، بررسی تطبیقی نشانه‌های قیام امام مهدی در روایات فریقین از سیدضیاءالدین علیانسب از جمله آنها است. این منابع، به صورت کلی به نشانه‌های ظهور توجه نموده‌اند و با وجود این که در جمع آوری و دسته بندی روایات علائم ظهور که روایات خراسانی هم از جمله آنها است، تلاش زیادی انجام داده‌اند، اما هدف اصلی هیچ‌کدام از نویسندگان یاد شده، تحلیل محتوای روایات خراسانی نبوده و در هر کدام از این منابع، به فراخور موضوع بحث، به تعدادی روایات، استناد شده‌است. هم‌چنین مقاله مستقلی توسط دکتر مجید معارف با عنوان بررسی سندی- فقه الحدیثی احادیث «رایات سود» و حضور مهدی موعود در سپاه خراسانی در منابع اهل سنت، منتشر شده که با تضعیف سندی و فقه‌الحدیثی برخی از روایات خراسانی، شبهه حضور امام مهدی(عج) در لشکر خراسانی را نقد کرده‌است.
آن‌چه که این پژوهش را از تحقیقات مشابه، متمایز می‌سازد، پرداختن به روایات خراسانی در منابع حدیثی اهل سنت، به صورت تحقیقی و تحلیل محتوای این روایات، به منظور مشخص کردن میزان ارتباط آنها با موضوع مهدویت و بررسی ویژگی‌های خراسانی و پرچم‌های سیاه آخرالزمانی، به عنوان یکی از نشانه‌های قیام امام مهدی (عج) و نحوه ارتباط آن، با ظهور آن حضرت و نقش خراسانی، در تحقق بخشیدن به اهداف ظهور آن حضرت است.
البته این موضوع، با قطع نظر از اعتبار یا عدم اعتبار روایات، صورت گرفته و به دلیل گستردگی بحث، به بررسی سندی روایات، پرداخته نشد که این، خود، مجال مستقلی را می‌طلبد و البته در یک مقاله دیگری، نگارندگان این مقاله به این موضوع، به صورت مستقل پرداخته‌اند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

خراسان) در منابع قدیمی زبان فارسی، خراسان به معنی خاور زمین مورد استفاده قرار گرفته‌است. مسعودی می‌نویسد: «ایرانیان نقاط شرقی مملکت خود و مناطق مجاور آن را خراسان نامیده‌اند که «خُر» همان خورشید است و مردم، این نواحی را محل طلوع خورشید می‌دانستند.» (مسعودی، ۳۰) یاقوت حموی نیز «خُر» را در فارسی دری، به معنای خورشید و آسان را به معنای اصل و محل شیء می‌داند. (یاقوت حموی، ۳۵۰/۲) از نظر وی، محدوده خراسان در دوران اسلامی، سرزمینی گسترده بود که شهرهای مهم، مانند نیشابور، هرات، مرو که مرکز آن‌ها بوده، بلخ، طالقان، نسا، ابیورد، سرخس و شهرهای دیگری که در میان آن‌ها در زیر رود جیحون هستند، در برداشت. (یاقوت حموی، ۲۷۴/۲-۲۷۵)

خراسان در ادوار مختلف تاریخ، همواره به عنوان یکی از بزرگترین حوزه‌های تمدن ایران زمین شناخته می‌شده و از زمان ساسانیان به این طرف، نامی سنتی و کلی برای اشاره به نواحی شرقی ایران امروزی بوده و شامل بخش عمده از افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و بخش‌هایی از قرقیزستان امروزی بوده‌است. سرزمین خراسان در طول تاریخ، هیچ گاه دارای مرز ثابت جغرافیایی نبوده و تحت تاثیر عوامل مختلف، محدوده‌اش، همواره کاهش یا گسترش یافته است.

۲ـ۲. مفهوم‌شناسی مشرق

شرق معادل خاور در زبان فارسی است و مشرِق، اسم مکان است و به محل طلوع آفتاب گفته‌می‌شود (راغب اصفهانی، ذیل ماده شرق؛ ابن منظور، ذیل ماده شرق) و در جغرافیای امروزی، به یکی از چهار جهت اصلی اطلاق می‌شود.

۲ـ۳. مفهوم مشرق و خراسان در اصطلاح روایات دینی

با اندک تأمل در روایات، روشن می‌شود منظور از این دو عبارت (مشرق و خراسان)، در اصطلاح روایات، سرزمین ایران است؛ به دلیل این که: ۱- هم نام مشرق و هم نام خراسان، در روایات خراسانی آمده و هر دو قسم روایات، به یک موضوع اشاره دارد و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

بی‌تردید، این روایات، یکدیگر را تفسیر می‌کند. در واقع رسول گرامی اسلام (ص)، با دو تعبیر مختلف، از یک سرزمین، از قیام اسلامی گروهی در آخرالزمان پیش از انقلاب جهانی مهدی(عج) خبر داده‌است؛ ۲- روایات مربوط به زمینه‌سازان حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) منحصر به مشرق و خراسان نیست؛ بلکه مؤیداتی مانند کلمه فرس، عجم، موالی و... در آنها دیده می‌شود. (مقدسی شافعی، ۱۲۵-۱۲۶؛ ابن حماد، ۸۴؛ ابن طاوس، ۵۳؛ متقی هندی، ۲۶۱/۱۴) برخی از پژوهش‌گران نیز بر این مطلب اذعان داشته و دلائلی برای اثبات آن، آورده‌اند. (کورانی، ۲۳۴) ۳- در برخی روایات، خراسان، بخشی از مشرق تلقی شده است، مانند روایت «یبعث السفیانی خیله و جنوده فیبلغ عامة الشرق من أرض خراسان» (مقدسی شافعی، ۱۲۸؛ سیوطی، ۷۰/۲)

۳ـ محتوای روایات خراسانی و پرچم‌های سیاه در منابع اهل‌سنت

برخلاف روایات شیعی که در مورد خراسانی و پرچم‌های سیاه، مطالب خیلی کمی در آنها به چشم می‌خورد، در میان روایات اهل سنت، مطالب نسبتاً گسترده‌تری در مورد خراسانی و پرچم‌های سیاهی که مربوط به آخرالزمان است، وجود دارد که در این قسمت، در قالب هشت محور، به ویژگی‌های خراسانی، زمان و مکان خروج وی و مدت زمان نبرد، فرمانده سپاه خراسانی، محل نبرد خراسانی با سپاه سفیانی، رنگ پرچم و لباس‌های سپاه خراسانی و فرجام قیام وی پرداخته خواهد شد.

پیش از پرداختن به تحلیل محتوای روایات ۲۲گانه اهل سنت در مورد خراسانی و پرچم‌های سیاه آخرالزمانی، عنوان هر کدام از آن روایات آورده می‌شود که در طول بحث، به محتوای روایات، با این عناوین، اشاره خواند شد.

۱ـ روایت اول جابر (ابن حماد، ۸۴)

۲ـ روایت دوم جابر (ابن حماد، ۸۵)

۳ـ روایت مرسل از امام علی (ع) (ابن حماد، ۹۴)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

۴ـ روایت اول ابی رومان (ابن حماد، ۸۶ و ۸۸)

۵ـ روایت دوم ابی رومان (ابن حماد، حاکم نیشابوری، ۵۰۱/۴)

۶ـ روایت سوم ابی رومان (ابن حماد، ۲۴۶)

۷ـ روایت ابو هریره (ابن حماد، ۱۳۱؛ خطیب بغدادی، ۱۲۰/۳)

۸ـ روایت معاذ بن جبل (ابن طاووس، ۱۳۷)

۹ـ روایت عامر (سیوطی، ۲۱۲/۲)

۱۰ـ روایت سجة بن عبدالله (ابن منادی، ۶۶)

۱۱ـ روایت ابن مسعود (ابن حماد، ۸۴؛ ابن ابی شیبه، ۲۳۵/۱۵)

۱۲ـ روایت الحسن (ابن حماد، ۸۶)

۱۳ـ روایت عبدالله بن حارث (ابن ماجه قزوینی، ۱۳۶۸/۲)

۱۴ـ روایت اول ثوبان (ابن حنبل، ۷۱/۳۷؛ ابن ماجه قزوینی، ۵۴۱/۵)

۱۵ـ روایت دوم ثوبان (مقدسی شافعی، ۱۲۹)

۱۶ـ روایت سوم ثوبان (ابن حماد، ۸۴)

۱۷ـ روایت عبدالله بن عمر (ابن حماد، ۱۰۲-۱۰۳)

۱۸ـ روایت سعید بن مسیب (ابن حماد، ۵۲ و ۵۸)

۱۹ـ روایت هیثم بن عبدالرحمن (ابن حماد، ۱۹۸)

۲۰ـ روایت ارطاة (ابن حماد، ۸۳-۸۴)

۲۱ـ روایت مشایخ (ابن حماد، ۸۸)

۲۲ـ روایت محمد بن حنفیه (ابن حماد، ۲۱۳)

اما روایت‌های ۲۲ گانه در موضوعاتی به شرح زیر هستند:

۳ـ۱. ویژگی های شخصی

ویژگی‌های شخصی به مواردی گفته می‌شود که مخصوص کسی و یا منسوب به او باشد، مثل خصوصیات بدنی (قیافه و ظاهر) و نام و نسب خانوادگی هر شخصی که با

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

دیگران متفاوت است. (دهخدا، ذیل واژه «شخصی»)

۳ـ۱ـ۱. نام و نسب خراسانی خراسانی

روایات اهل سنت، نسب خراسانی و صاحب پرچم‌های سیاه را «هاشمی» عنوان می‌کند؛ مانند روایت چهارم (روایت اول ابی‌رومان) و روایت بیست و یکم (روایت مشایخ). در روایت اول ابی‌رومان از امام علی (ع) چنین آمده‌است: «... زمانی که سپاه سفیانی از کوفه خارج شود، به سوی اهل خراسان روانه می‌شود... پس سفیانی و هاشمی صاحب پرچم‌های سیاه با هم روبرو می‌شوند»[۱] (ابن حماد، ۸۶ و ۸۸) در روایت مشایخ نیز آمده: «... سفیانی، سپاه و سربازان خود را به اطراف می‌فرستد و آنها در تمام سرزمین‌های شرق، از خراسان گرفته تا فارس و اطراف آن می‌رسند... سپس سفیانی غلبه پیدا می‌کند و هاشمی فرار می‌کند» (ابن حماد، ۸۸)[۲] از آنجا که «هاشمی» اسم خاص نیست، پس حاکی از نسب او است.

برخی روایات، مانند روایت اول (روایت اول جابر) و روایت ششم (روایت سوم ابی‌رومان)، او را «جوانی از بنی‌هاشم» معرفی می‌کند. در روایت اول جابر از امام باقر(ع) آمده‌است: «جوانی از بنی‌هاشم... از خراسان با پرچم‌های سیاه قیام می‌کند»[۳] در روایت سوم ابی‌رومان از امام علی (ع) نیز آمده‌است: «پرچم‌های سیاهی خروج می‌کنند و با سفیانی می‌جنگند؛ در میان آنها جوانی از بنی‌هاشم وجود دارد» (ابن حماد، ۲۱۶).[۴]

در این میان، دو روایت دیگر، بدون اشاره به دو عنوان فوق، با یک تعبیر دیگر، به

---

۱. «... إذا خَرَجَتْ خَيْلُ السُّفْيانِيِّ إلى الكُوفَة، بَعَثَ فى طَلَبِ أهْلِ خُراسانَ... فَيَلْتَقى هُوَ و الهاشِمِيُّ بِرايـاتِ سُودٍ» این روایت، اولین بار، توسط نعیم بن حماد، نقل شده و بعد از او، محدثان دیگر اهل سنت، از او نقل کرده‌اند؛ مانند منابع زیر: (مقدسی شافعی، ۱۲۷؛ سیوطی، ۲؛ متقی هندی، ۱۵۱)

۲. «...يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ خَيْلَهُ وَجُنُودَهُ، فَيَبْلُغُ عَامَّةَ الشَّرْقِ مِنْ أَرْضِ خُرَاسَانَ وَأَرْضِ فَارِسَ ثُمَّ تَكُونُ الْغَلَبَةُ لِلسُّفْيَانِيِّ وَ يَهْرُبُ الْهَاشِمِيُّ» این روایت را اولین بار، نعیم بن حماد نقل کرده و ومنابع زیر نیز از او نقل کرده است: (مقدسی شافعی، ۱۲۸؛ سیوطی، ۷۰/۲)

۳. «يَخْرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ... مِنْ خُرَاسَانَ بِرَايَاتٍ سُودٍ» این روایت را منابع زیر نیز از ابن حماد نقل کرده است: (ابن طاووس، ۵۳؛ مقدسی شافعی، ۱۲۸؛ سیوطی، ۶۸/۲؛ متقی هندی، ۱۵۱)

۴. «تَخْرُجُ رَايَاتٌ سُودٌ تُقَاتِلُ السُّفْيَانِيَّ، فِيهِمْ شَابٌّ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ» سیوطی نیز (سیوطی، ۱۰۳/۲؛ ۶۹/۲) با اندک تفاوتی در متن، این روایت را از ابن حماد نقل کرده‌است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

هاشمی بودن خراسانی اشاره می‌کند؛ روایت هفدهم (روایت عبدالله بـن عمـر)، وی را از از فرزندان امام حسین علیه السلام می‌داند «مردی از فرزندان حسین، از طرف مشرق خـروج می‌کند...» (ابن حماد، ۱۰۲-۱۰۳)[۱] و روایت نوزدهم (روایت هیثم بن عبـدالرحمن) از امـام علی (ع)، او را فردی از خاندان مهدی (عج) معرفی می‌کند «پیش از ظهور حضرت مهـدی علیه‌السلام، مردی از خاندانش در مشرق خروج می‌کند...» (ابن حماد، ۱۹۸)[۲]

در مجموع می‌توان گفت، همه روایاتی که نسب خراسانی را ذکر کرده‌اند، بر سید بـودن او اتفاق نظر دارند که دو روایت، او را جوانی از بنی‌هاشم و دو روایت او را هاشمی، و یک روایت، او را از فرزندان امام حسین علیه السلام معرفی کرده است. بـا توجـه بـه ایـن کـه روایت معارضی در این خصوص وجود ندارد، پس می‌شود اطمینان کـرد کـه خراسـانی، از خاندان بنی‌هاشم است.

۳ـ۱ـ۲. سن خراسانی

در روایات اهل سنت، به طور دقیق در مورد سن خراسانی صحبت نشده، ولـی روایـت اول (روایت اول جابر) از امام باقر (ع) (ابن حمـاد، ۸۴)[۳] و روایـت ششـم (روایـت سـوم ابی‌رومان) از امام علی (ع) (ابن حماد، ۲۱۶)[۴]، او را جوانی از بنی هاشم عنوان کرده‌اسـت. با توجه به این که در عرف، به افراد بیست تا چهل ساله، جوان گفته می‌شود، می‌توان گفت، سن خراسانی در زمان خروج، بین بیست تا چهل سال خواهد بود.

---

۱. «یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ...» این روایت، در منابع زیر نیز از ابن حماد نقل شده است: (مقدسـی شافعی، ۱۲۷؛ سیوطی، ۶۶/۲؛ متقی هندی، ۹۳؛ ابن طاووس، ۸۵-۸۶).

۲. «یَخْرُجُ رَجُلٌ قَبْلَ الْمَهْدِیِّ مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ بِالْمَشْرِقِ...» این روایت را منابع زیر نیز از ابن حماد نقل کرده است: (مقدسی شافعی، ۱۲۹؛ مجلسی، ۸۴/۵۱).

۳. «یَخْرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ...» این روایت، در منابع زیر نیز ار ابن حماد نقل شده است: (ابن طاووس، ۵۳؛ مقدسـی شافعی، ۱۲۸؛ سیوطی، ۶۸/۲؛ متقی هندی، ۱۵۱).

۴. «تَخْرُجُ رَایَاتٌ سُودٌ تُقَاتِلُ السُّفْیَانِیَّ، فِیهِمْ شَابٌّ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ...».

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

۳ـ۱ـ۳. مشخصات ظاهری خراسانی

در مورد مشخصات ظاهری خراسانی، در روایات اهل سنت، برخلاف روایات شیعه که هیچ مطلبی وجود ندارد، می‌توان به مطالبی در این خصوص دست‌یافت. در روایت اول (روایت اول جابر) از امام باقر (ع)، به وجود خالی در کف دست راست خراسانی اشاره شده و آن را مشخصه ظاهری او بیان می‌کند. (ابن حماد، ۸۴)[۱] و در روایت ششم (روایت سوم ابی رومان) از امام علی (ع) هم، به وجود خال اشاره شده، با این تفاوت که آن را در کتف چپ خراسانی گزارش کرده‌است. (ابن حماد، ۲۱۶)[۲] البته این احتمال وجود دارد که روایان این دو روایت، در ثبت محل خال اشتباه کرده باشند و یکی، در کف دست راست و دیگری کتف چپ، گزارش کرده باشد. این احتمال نیز وجود دارد که در هر دو (کتف چپ و کف دست راست)، دو تا خال، وجود داشته باشد؛ ولی در هر صورت، طبق این روایات، این مشخصه آن‌قدر مشهود است که از آن، به عنوان مشخصه اصلی خراسانی نام برده می‌شود.

۳ـ۲. ویژگی‌های شخصیتی خراسانی

شخصیت در لغت، مترادف سجیه و منش است و به جایگاه و مرتبه شخص در جامعه اشاره دارد. (دهخدا، ذیل واژه «شخصیت») این واژه که در زبان لاتین (Personality) گفته می‌شود و ریشه در کلمه لاتین پرسونا (persona) دارد، به نقاب یا ماسکی گفته می‌شد که بازیگران تئاتر، در یونان قدیم، بر چهره خود می‌زدند. بنابراین مفهوم اصلی و اولیه شخصیت، تصویری ظاهری و اجتماعی است که بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند، قرار دارد. (شاملو، ۱۵) در واقع، شخصیت، مجموعه نفسانیات (احساسات، افکار، عواطف و...) هر کسی است که باعث تعامل او با دیگر افراد جامعه می‌شود. (دهخدا، ذیل واژه «شخصیت») با بررسی روایات خراسانی در منابع حدیثی اهل سنت، می‌توان به اموری، مانند دین، مذهب، عقیده و ویژگی‌های اخلاقی خراسانی پی‌برد.

---

۱. «یَخْرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ بِکَفِّهِ الْیُمْنَی خَالٌ...»
۲. «تَخْرُجُ رَایَاتٌ سُودٌ تُقَاتِلُ الْفُیْنَانِیَّ، فِیهِمْ شَابٌّ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ، فِی کَتِفِهِ الْیُسْرَی خَالٌ...»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

۳ـ۲ـ۱. دین، مذهب و اعتقادات خراسانی

مطابق برخی روایات اهل سنت، از جمله اهداف خراسانی و صاحبان پرچم‌های سیاه که ریشه در افکار و اعتقادات آنان دارد، زمینه سازی آنان، برای ظهور حضرت مهدی(عج) است. در روایت بیست و دوم (روایت محمد بن حنفیه)، به زمینه‌سازی حکومت امام مهدی(عج) توسط خراسانی تصریح شده‌است (ابن حماد، ۲۱۶)[۱] و روایت دوازدهم (روایت الحسن) از پیامبر اعظم(ص)، تحویل پرچم قیام، به امام مهدی (عج)، توسط خراسانی را مورد تأکید قرار داده‌است (ابن حماد، ۸۶)[۲] روایت سیزدهم (روایت عبدالله بن حارث) نیز، مضمونی مشابه این دو روایت دارد. در این روایت آمده‌است: «مردمی از مشرق قیام خواهند کرد که زمینه سازان حضرت مهدی (عج) خواهند بود.»[۳] (ابن‌ماجه قزوینی، ۱۳۶۸/۲)

در این بین، برخی روایات نیز پیروی سپاه خراسانی از امام مهدی (عج) و انتظار ظهور آن حضرت را به آنان نسبت داده‌است. در روایت سوم (روایت مرسل از امام علی "ع") آمده‌است: «هنگامی که پرچم‌های سیاه از محل خود، به سوی سفیانی حرکت کردند، که شعیب بن صالح در آن است، و مردم آرزوی مهدی می‌کنند و او را طلب می‌کنند، پس آن حضرت، در حالی که پرچم پیامبر (ص) را، به همراه دارد، از مکه خارج می‌شود...» (ابن‌حماد، ۹۴)[۴] روایت پنجم (روایت دوم ابی رومان) از امام علی (ع) نیز، بر همین مطلب اشاره دارد (ابن حماد، ۸۲؛ حاکم نیشابوری، ۵۰۱/۴)[۵] در روایت بیستم (روایت ارطاة) نیز،

---

۱. «تَخْرُجُ رَایَةٌ سَوْدَاءُ لِبَنِی‌الْعَبَّاس، ثُمَّ تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ أُخْرَی سَوْدَاءُ... عَلَی مُقَدِّمَتِهِمْ رَجُلٌ یُقَالُ لَهُ شُعَیْبُ بْنُ صَالِحٍ، أَوْ صَالِحُ بْنُ شُعَیْبٍ مِنْ تَمِیمٍ، یَهْزِمُونَ أَصْحَابَ السُّفْیَانِیِّ حَتَّی یَنْزِلَ بَیْتَ الْمَقْدِسِ، یُوَطِّئُ لِلْمَهْدِیِّ سُلْطَانَهُ» این روایت در منابع زیر نیز از ابن حماد نقل شده‌است: سیوطی، ۱۳۸۵: ۶۸/۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۴۹.

۲. «إنَّ النَّبیَّ صلی الله علیه و آله ذَکَرَ بَلاءً یَلقاهُ أهلُ بَیتِهِ علیهم السلام، حَتّی یَبعَثَ اللّهُ رایَةً مِنَ المَشرِقِ سَوداءَ، مَن نَصَرَها نَصَرَهُ اللّه، ومَن خَذَلَها خَذَلَهُ اللّهُ، حَتّی یَأتوا رَجُلاً اِسمُهُ کَاسمی، فَیُوَلّونَهُ أمرَهُم...» این روایت در منابع زیر نیز از ابن حماد نقل شده‌است: سیوطی، ۶۸/۲؛ متقی هندی، ۱۴۹؛ ابن طاووس، ۵۴.

۳. «یَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَیُوَطِّئُونَ لِلْمَهْدِیِّ یَعْنِی سُلْطَانَه...» منابع زیر نیز این روایت را از ابن ماجه نقل کرده‌اند: مقدسی شافعی، ۱۳۵؛ سیوطی، ۶۰/۲؛ مجلسی، ۷۸/۵۱.

۴. «إذَا خَرَجَتْ الرَّایَاتُ السُّودُ مِنَ (الی) السُّفْیانیِّ، التی فیها شُعَیْبُ بْنُ صالِحٍ تَمَنَّی النَّاسُ المهدِیَّ فَیَطْلُبُونَهُ، فَیَخْرُجُ مِنْ مَکَّةَ وَمَعَهُ رایَةُ رَسُولُ اللّهِ صلَّی اللّه علیه و آله و سلَّم...» منابع دیگری که این روایت را از ابن حماد نقل کرده‌اند، عبارتد از: (سیوطی، ۷۷/۲؛ ۱۰۴/۲؛ ابن طاووس، ۶۳).

۵. «... ثُمَّ یُفْتَقُ عَلَیْهِمْ فَتْقٌ مِنْ خَلْفِهِمْ فَتُقْبِلُ طائِفَةٌ مِنْهُمْ حَتَّی یَدْخُلُوا أَرْضَ خُراسانَ، وَتُقْبِلُ خَیْلُ السُّفیانیِّ فی←

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

ضمن بیان به قدرت رسیدن خراسانی و انتظار ظهور امام مهدی (عج) توسط آنـان، ارسـال پرچم‌های سیاه آنان به آن حضرت، به نشانه بیعت آنان، با امام مهدی (عـج) مطـرح شـده است «در این حال عده‌ای از اهل خراسان به قدرت می‌رسند که حضرت مهدی علیه‌السلام را می‌خوانند... در این زمان، پرچم‌های سیاه بیعت خود را برای حضرت مهدی علیه‌السـلام می‌فرستند...» (ابن حماد، ۸۳-۸۴).[۱]

۳ـ۲ـ۲. ویژگی‌های اخلاقی خراسانی

از برخی روایات اهل سنت، می‌توان به بعضی از ویژگی‌های اخلاقی خراسانی و یـاران او پی برد؛ از جمله این ویژگی‌ها، استواری، شکست‌ناپذیری و ایمان به هـدف خراسـانی و صاحبان پرچم‌های سیاه است. در روایت پانزدهم (روایت دوم ثوبان) از پیامبر اعظم (ص)، با بیان استعاره‌ای، از قدرت ایمانی آنان سخن گفته‌شده و دل‌های آنان، به پاره آتش تشـبیه شده است «پرچم‌های سیاه رنگ از سوی مشرق می‌آیند، صاحبان این پرچم‌ها، قلب‌هـایی مانند پاره‌های آهن دارند...»[۲] (مقدسی شافعی، ۱۲۹) و روایت هفدهم (عبدالله بن عمر)، بـر استقامت خراسانی و یاران او، در راستای نیل به هدف اشـاره دارد؛ بـه گونـه‌ای کـه هـیچ چیزی، آنان را، از رسیدن به هدف باز نمی‌دارد «مردی از فرزندان حسین، از طرف مشـرق خروج می‌کند، اگر کوه‌ها مقابل او بایستد، آنهـا را نـابود کـرده و راهـی از بـین آنهـا بـاز می‌کند...»[۳] (ابن حماد، ۱۰۲-۱۰۳).

← طَلَبِ أَهْلِ خُرَاسَانَ فَيَقْتُلُونَ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ بِالْكُوفَةِ، ثُمَّ يَخْرِجُ أَهْلُ خُرَاسَانَ فِی طَلَبِ الْمَهْدِیِّ» منابع دیگری کـه این روایت را از ابن حماد نقل کرده‌اند: (مقدسی شافعی، ۵۸؛ متقی هندی، ۲۸۴/۱۱).

۱. «... وَيَظْهَرُ بِخُرَاسَانَ قَوْمٌ يَدْعُونَ إِلَى الْمَهْدِیِّ... وَتَبْعَثُ الرَّايَاتُ السُّودُ بِالْبَيْعَةِ إِلَى الْمَهْدِیِّ...» منابع زیر نیز این روایـت را از ابن حماد نقل کرده‌اند: (سیوطی، ۶۷/۲؛ ابن طاووس، ۵۱).

۲. «تَجِیءُ الرّایاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ المَشْرِقِ كَاَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الحَدِيْدِ...» سیوطی نیز این روایت را از مقدسـی شـافعی نقـل کرده است. (سیوطی، ۶۴/۲)

۳. «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ لَوْ اسْتَقْبَلَتْهُ الْجِبَالُ لَهَدَّهَا، وَ اتَّخَذَ فِيهَا طُرُقاً».

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

۳ـ۳. مکان خروج خراسانی

در برخی روایات اهل سنت، محل خروج خراسانی و صاحبان پرچم‌های سیاه، خراسان بیان شده‌است؛ مانند روایت اول و دوم (روایت اول و دوم جابر) (ابن حماد، ۸۴ و۸۵)[۱]، روایت دهم (روایت سجة بن عبدالله) (ابن المنادی، ۶۶)[۲] و... اما برخی دیگر از روایات، مکان خروج خراسانی را مشرق بیان می‌کند؛ مانند روایت سیزدهم (روایت عبدالله بن حارث) (ابن ماجه قزوینی، ۱۳۶۸/۲)[۳]، روایت سیزدهم و چهاردهم (روایت اول و دوم ثوبان) (ابن حنبل، ۷۱/۳۷؛ ابن ماجه قزوینی، ۵۴۱/۵؛ مقدسی شافعی، ۱۲۹)[۴] و... ممکن است در بدو امر تصور شود که مشرق و خراسان، دو جای مختلف و دو سرزمین متفاوت است، اما آن‌گونه که در بحث مفهوم‌شناسی نیز گذشت و ملاحظاتی که در آنجا مطرح شد، مراد از این دو واژه، یک چیز است و آن، سرزمین ایران است. با اندک تأمل در احادیث هم، این معنا به خوبی روشن می‌شود که میان این دو کلمه، در مصداق، تفاوتی وجود ندارد.

۳-٤. زمان خروج و مدت زمان قیام خراسانی

در مورد زمان دقیق آغاز خروج و مدت زمان قیام خراسانی، مطلبی در روایات اهل سنت وجود ندارد. تنها روایتی که می‌توان، اشاراتی به زمان خروج، در آن دید، روایت بیست و دوم (روایت محمد بن حنفیه) است. در این روایت، فاصله بین خروخ خراسانی و ظهور حضرت مهدی (عج)، هفتاد و دو ماه، بیان شده‌است «بیرق سیاهی از بنی عباس خروج می‌کند، آنگاه از طرف خراسان بیرق‌های سیاه دیگری خروج می‌کنند، ... بین خروج او و بین تسلیم امرش به دست حضرت مهدی علیه السلام، هفتاد و دو ماه خواهد

---

۱. «یَخْرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ بِکَفِّهِ الْیُمْنَی خَالٌ، مِنْ خُرَاسَانَ بِرَایَاتِ سُودٍ...» «تَنْزِلُ الرَّایَاتُ السُّودُ الَّتِی تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ...» این روایت در منابع زیر نیز به نقل از ابن حماد آمده است: مقدسی شافعی، ۱۲۹؛ سیوطی، ۶۹/۲؛ متقی هندی، ۵۰؛ طوسی، ۲۴۷.

۲. «وَالَّذی نَفْسِی بِیَدِهِ لا یَذْهَبُ اللَّیلُ وَ النَّهارُ حَتَّی تَجِیءَ الرَّایاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ...».

۳. «یَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَیُوَطِّئُونَ لِلْمَهْدِیِّ یَعْنِی سُلْطَانَه»

۴. «... ثُمَّ تَطْلُعُ الرَّایَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ...»؛ «تَجِیءُ الرّایاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ المَشْرِقِ...»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

بود.»[۱] (ابن حماد، ۲۱۳) از بقیه روایات، زمان معینی برای خروج خراسانی استفاده نمی‌شود و تنها چیزی که از روایات، قابل برداشت است، این است که خروج خراسانی و پرچم‌های سیاه، در زمانی، نزدیک به وقت ظهور حضرت مهدی(عج) صورت خواهدگرفت و بین این دو حادثه، فاصله زمانی خیلی کوتاهی خواهد بود؛ چرا که در برخی روایات، بحث انتظار ظهور آن حضرت توسط خراسانیان، که این انتظار، در نهایت به سر می‌رسد، یا بیعت خراسانی با آن حضرت، یا تحویل پرچم قیام خراسانی به آن حضرت، به نشانه بیعت با آن حضرت و یا بیعت خراسانی و یارانش در مکه با آن حضرت و... مطرح شده است که همه اینها نشان می‌دهد زمان خروج خراسانی، قبل از ظهور آن حضرت بوده و فاصله زمانی بین این دو حادثه، بسیار کوتاه خواهد بود. به عنوان مثال، در روایت دوم (روایت دوم جابر)، از امام باقر (ع)، به بیعت خراسانی با آن حضرت اشاره شده است «پرچم‌های سیاهی که از خراسان، بیرون آمده، بر کوفه نازل می‌شود، زمانی که مهدی (عج) در مکه ظهور کند، این پرچم‌ها به نشانه بیعت، به او فرستاده می‌شود.»[۲] (ابن حماد، ۸۵) روایت بیستم (روایت ارطاة) نیز، به همین مضمون اشاره دارد. (ابن حماد، ۸۳-۸۴) در روایت سوم (روایت مرسل از امام علی علیه‌السلام) نیز، به انتظار ظهور آن حضرت، توسط خراسانیان و محقق شدن این انتظار اشاره شده‌است «هنگامی که پرچم‌های سیاه از محل خود، به سوی سفیانی حرکت کردند، که شعیب بن صالح در آن است و مردم آرزوی مهدی نموده، او را طلب می‌کنند، پس آن حضرت، در حالی که پرچم پیامبر (ص) را به همراه دارد، از مکه خارج می‌شود.»[۳] (ابن حماد، ۹۴)، در روایت دوازدهم (روایت الحسن) به تحویل پرچم قیام خراسانی، به آن حضرت اشاره دارد «پیامبر(ص)، مصیبت‌ها و گرفتاری هایی را که اهل‌بیت او علیهم‌السلام خواهند کشید، ذکر می فرمود، تا این که فرمود:

---

۱. «تَخْرُجُ رَایَةٌ سَوْدَاءُ لِبَنِی الْعَبَّاسِ، ثُمَّ تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ أُخْرَی سَوْدَاءُ... بَیْنَ خُرُوجِهِ وَ بَیْنَ أَنْ یُسَلِّمَ الْأَمْرَ لِلْمَهْدِیِّ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ شَهْراً»

۲. تَنْزِلُ الرَّایَاتُ السُّودُ الَّتِی تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ الْکُوفَةَ، فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِیُّ بِمَکَّةَ بُعِثَتْ إِلَیْهِ بِالْبَیْعَةِ.

۳. إِذَا خَرَجَتْ الرَّایَاتُ السُّودُ مِنَ (الی) السُّفْیَانِیِّ، التی فیها شُعَیْبُ بْنُ صَالِحٍ تَمَنَّی النَّاسُ المهدِی فَیَطْلُبُونَهُ، فَیَخْرُجُ مِنْ مَکَّةَ وَمَعَهُ رایَةُ رَسُولُ اللّه صلَّی اللّه علیه و آله و سلَّم... .

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

این گرفتاری‌ها خواهد بود تا آن‌که خداوند پرچمی سیاه، از طرف مشرق خواهد فرستاد... این پرچم خواهد بود، تا آن که مردی که اسم او مانند اسم من است (حضرت مهدی"عج") بیاید، پرچم‌دار آن پرچم‌ها، ولایت و قدرت خویش را تسلیم او خواهد کرد...»[۱] (ابن حماد، ۸۶) روایت یازدهم (روایت عبدالله بن مسعود) نیز، مضمونی مشابه همین روایت دارد.[۲] (ابن حماد، ۸۴؛ ابن ابی شیبه، ۲۳۵/۱۵)

در این میان، روایت نوزدهم (روایت هیثم بن عبدالرحمن) از امام علی(ع)، برخلاف روایات فوق، در مورد مدت زمان قیام مردی که از مشرق خروج می‌کند (مرد هاشمی)، به گونه دیگری سخن گفته و فاصله زمان خروج تا مرگ مرد هاشمی را هشت ماه بیان کرده و نیز برخلاف روایات فوق، این مرد هاشمی، نه تنها به کمک امام مهدی (عج) اقدامی نمی‌کند، بلکه برای کشتن انسان‌ها، شمشیر می‌زند. در این روایت آمده است: «پیش از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، مردی از خاندانش در مشرق خروج می‌کند، در حالی‌که شمشیر بر دوش نهاده و تا هشت ماه به کشتار و مثله کردن می‌پردازد و به سوی بیت المقدس روی نهد و پیش از رسیدن به آنجا می‌میرد.»[۳] (ابن حماد، ۱۹۸)

این روایت، با روایات دیگری که در مورد خراسانی و پرچم‌های سیاه نقل شده، متعارض بوده و تطبیق آن، بر خراسانی، به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست.

در برخی روایات شیعی، همزمانی خروج یمانی، سفیانی و خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز، تصریح شده است.[۴] (طوسی، ۴۴۶؛ مفید، ۳۷۵/۲؛ طبرسی، ۴۸۵)

---

۱. «إِنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله ذَکَرَ بَلاءً یَلقاهُ أهلُ بَیتِهِ علیهم السلام، حَتّی یَبعَثَ اللّه ُ رایَةً مِنَ المَشرِقِ سَوداءَ،... حَتّی یَأتوا رَجُلاً اِسمُهُ کَاسمی، فَیُوَلّونَهُ أمرَهُم...»

۲. «... وَإِنَّ أَهْلَ بَیْتِی هَؤُلاءِ سَیَلْقَوْنَ بَعْدِی بَلاءً وَتَطْرِیدًا وَتَشْرِیدًا، حَتَّی یَأْتِیَ قَوْمٌ مِنْ هَاهُنَا مِنْ نَحْوِ الْمَشْرِقِ، أَصْحَابُ رَایَاتٍ سُودٍ، یَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلا یُعْطَوْنَهُ، مَرَّتَیْنِ أَوْ ثَلاثًا، فَیُقَاتِلُونَ فَیُنْصَرُونَ، فَیُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا، فَلا یَقْبَلُوهَا حَتَّی یَدْفَعُوهَا إِلَی رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی...»

۳. «یَخْرُجُ رَجُلٌ قَبْلَ الْمَهْدِیِّ مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ بِالْمَشْرِقِ، یَحْمِلُ السَّیْفَ عَلَی عَاتِقِهِ ثَمَانِیَةَ أَشْهُرٍ، یَقْتُلُ وَ یُمَثِّلُ وَ یَتَوَجَّهُ إِلَی بَیْتِ الْمَقْدِسِ، فَلَا یَبْلُغُهُ حَتَّی یَمُوتَ».

۴. «عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِیِّ وَ السُّفْیَانِیِّ وَ الْیَمَانِیِّ فِی سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِی شَهْرٍ وَاحِدٍ فِی یَوْمٍ وَاحِدٍ...»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

۳-۵. فرمانده سپاه قیام خراسانی

مطابق برخی روایات اهل سنت، فرماندهی سپاه خراسانی، بر عهده فردی به نام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب است. روایت اول (روایت اول جابر) از امام باقر (ع) (ابن حماد، ۸۴)[۱]، روایت هشتم (روایت معاذ بن جبل) از پیامبر اعظم (ص) (ابن طاووس، ۱۳۷)[۲]، روایت سوم (روایت مرسل از امام علی علیه السلام) (ابن حماد، ۹۴)[۳]، روایت چهارم (روایت اول ابی رومان) از امام علی (ع) (ابن حماد، ۸۶ و ۸۸)[۴] و نیز روایت ششم (روایت سوم ابی رومان)، از آن حضرت (ابن حماد، ۲۴۶)[۵]، روایت بیست و یکم (روایت مشایخ)،[۶] و روایت بیست و دوم (روایت محمد بن حنفیه)[۷] به این موضوع توجه نموده و به صراحت نام او را مطرح کرده‌است. در برخی از روایات فوق، مانند روایت مشایخ، به ویژگی‌های این فرمانده (شعیب بن صالح) نیز اشاره شده و او را جوانی از طایفه بنی تمیم، دارای چهره‌ای زرد و صورتی کم ریش و به اصطلاح عوام مردم، (کوسه) معرفی می‌کند که در امور نظامی آن‌قدر قدرت‌مند است که کسی را یارای مقابله با او نبوده و سپاه سفیانی را شکست داده و از هم می‌پاشد. (ابن حماد، ۸۸)[۸]

---

۱. «يَخْرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ بِكَفِّهِ الْيُمْنَى خَالٌ، مِنْ خُرَاسَانَ بِرَايَاتِ سُودٍ بَيْنَ يَدَيْهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ يُقَاتِلُ أَصْحَابَ السُّفْيَانِيِّ فَيَهْزِمُهُمْ»

۲. «...ثُمَّ يُقْبِلُ الرَّجُلُ التَّمِيمِيُّ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ سَقَى اللَّهُ بِلَادَ شُعَيْبٍ بِالرَّايَةِ السَّوْدَاءِ الْمَهْدِيَّةِ بِنَصْرِ اللَّهِ وَ كَلِمَتِهِ حَتَّى يُبَايِعَ الْمَهْدِيَّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ»

۳. «إِذَا خَرَجَتْ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنَ (الى) السُّفْيانيِّ، التى فيها شُعَيْبُ بْنُ صالح تَمَنَّى النَّاسُ المهدى فَيَطْلُبُونَهُ...»

۴. «إِذَا خَرَجَتْ خَيْلُ السُّفْيانِيِّ إلى الكُوفَـة، بَعَثَ فى طَلَبِ أهْلِ خُراسانَ، و يَخْرُجُ أهْلُ خُراسانَ فى طَلَبِ المهدىِّ، فَيَلْتَقى هُوَ و الهاشِمِيُّ برايات سُودٍ، على مُقدّمَتِهِ شُعَيبُ بنُ صالح...»

۵. «تَخْرُجُ رَايَاتٌ سُودٌ تُقَاتِلُ السُّفْيَانِيَّ، فِيهِمْ شَابٌّ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فِي كَتِفِهِ الْيُسْرَى خَالٌ، وَ عَلَى مُقَدِّمَتِهِ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ يُدْعَى شُعَيْبَ بْنَ صَالِحٍ...»

۶. «...ثُمَّ تَكُونُ الْغَلَبَةُ لِلسُّفْيَانِيِّ وَيَهْرُبُ الْهَاشِمِيُّ، وَيَخْرُجُ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ مُخْتَفِيًا إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ، يُوَطِّئُ لِلْمَهْدِيِّ مَنْزِلَهُ...»

۷. «تَخْرُجُ رَايَـةٌ سَوْدَاءُ لِبَنِي‌الْعَبَّاسِ، ثُمَّ تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ أُخْرَى سَوْدَاءُ... عَلَى مُقَدِّمَتِهِمْ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ، أَوْ صَالِحُ بْنُ شُعَيْبٍ مِنْ تَمِيمٍ...»

۸. «... فَيَخْرُجُ بِأَهْلِ خُرَاسَانَ عَلَى مُقَدِّمَتِهِ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ مَوْلًى لَهُمْ أَصْفَرُ قَلِيلُ اللِّحْيَةِ... لَوِ اسْتَقْبَلَتْهُ الْجِبَالُ الرُّوَاسِي لَهَدَّهَا، فَيَلْتَقِي هُوَ وَخَيْلُ السُّفْيَانِيِّ فَيَهْزِمُهُمْ وَيَقْتُلُ مِنْهُمْ مَقْتَلَةً عَظِيمَةً»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

۳ـ۶. محل جنگ خراسانی با سفیانی

اکثر روایات اهل سنت، از جنگ خراسانی با سفیانی سخن گفته‌است، ولی در مورد محل جنگ اصحاب خراسانی و صاحبان پرچم‌های سیاه با سفیانی، اغلب روایات ساکت بوده، محلی را تعیین نمی‌کند و فقط در چند روایت، محل نبرد، مشخص شده، که در آنها هم اختلاف وجود دارد. به عنوان مثال، روایت چهارم (روایت اول ابی‌رومان) از امام علی(ع) (ابن حماد، ۸۶ و ۸۸)[۱]، محل نبرد را شهر اصطخر بیان می‌کند. این در حالی است که در روایت پنجم (روایت دوم ابی رومان) از آن حضرت (ابن حماد، حاکم نیشابوری، ۵۰۱/۴)[۲] دو نبرد برای پرچم‌های سیاه، گزارش شده و بعد از آن‌که محل نبرد اول را قرقیسا بیان می‌کند، ضمن اشاره به شکست اهل خراسان، در نبرد اول در قرقیسا، و اقدام آنها به نبرد دوباره با سفیانی، بعد از تجدید قوا، برای نبرد دوم، محلی را تعیین نمی‌کند. در این میان، روایت بیستم (روایت ارطاة) (ابن حماد، ۸۳-۸۴)[۳]، برخلاف روایات فوق، محل جنگ با سفیانی را کوفه بیان می‌کند و روایت هفتم (روایت ابوهریره) نیز از نصب پرچم‌های خراسانی در بیت المقدس سخن گفته است.[۴] (ابن حماد، ۱۷۳)

با قطع نظر از قوت و ضعف روایات خراسانی، هیچ منافاتی ندارد که همه این نبردها اتفاق بیفتد؛ زیرا زمانی که جنگی از یک محل، آغاز می‌شود، محدود به آن محل نمی‌شود و به مناطق مختلف کشیده می‌شود و نبرد خراسانی و پرچم‌های سیاه، ممکن است نقطه آغازین آن، محل خاصی باشد، ولی در مراحل بعدی، پای جنگ، به جاهای دیگر هم کشیده شود و در مناطق مختلف جریان پیدا کند.

---

۱. «إذا خَرَجَتْ خَيْلُ السُّفْيانِيِّ إلى الكُوفَةِ، بَعَثَ فى طَلَبِ أهْلِ خُراسانَ، و يَخْرُجُ أهْلُ خُراسانَ فى طَلَبِ المهدىِّ، فَيَلْتَقى هُوَ و الهاشِمىُّ... بباب إصْطَخْر...».

۲. «ظُهُورُ السُّفْيانىُّ عَلَى الشّام، ثُمَّ يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَقْعَةٌ بِقَرْقيسيا... ثُمَّ يَخْرُجُ أهْلُ خُراسَانَ فى طَلَبِ المَهْدىِّ».

۳. «يَدْخُلُ السُّفْيانِيُّ الْكُوفَةَ فَيَسْبِيهَا ثَلاثَةَ أيَّام...وَتُقْبِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَى الْمَاءِ... وَيَخْرُجُ قَوْمٌ مِنْ سَوَادِ الْكُوفَةِ ... فَيُدْرِكُونَ أصْحَابَ السُّفْيَانِيِّ فَيَسْتَنْقِذُونَ مَا فِي أيْدِيهِمْ مِنْ سَبْيِ الْكُوفَةِ، وَتَبْعَثُ الرَّايَاتُ السُّودُ بِالْبَيْعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ»

۴. «تخرج من خراسان رايات سود لا يردها شى ء حتى تنصب بايلياء، يعنى ببيت المقدس»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

۳ـ۷. رنگ پرچم و لباس‌های سپاه خراسانی

اکثر روایات اهل سنت، رنگ پرچم‌های سپاه خراسانی را سیاه بیان می‌کند، اما در مورد شکل و اندازه و دیگر مشخصات این پرچم‌ها، فقط در روایت هیجدهم (روایت سعید بن مسیب) از پیامبر اعظم (ص) که خروج پرچم‌های سیاه را دو بار می‌داند، پرچم‌های سیاه را، در خروج دوم، که برای زمینه سازی قیام حضرت مهدی (عج) صورت می‌گیرد، پرچم‌های کوچک عنوان می‌کند.[۱] (ابن حماد، ۵۲ و ۵۸) اما در مورد لباس سپاه خراسانی، فقط در روایت بیست و دوم (روایت محمد بن حنفیه) تصریح شده که کلاه‌خود آنان، به رنگ سیاه، و لباس‌هایشان، به رنگ سفید، خواهد بود. (ابن حماد، ۲۱۳)[۲]

۳ـ۸. فرجام قیام خراسانی

روایات اهل سنت، در مورد فرجام قیام خراسانی و پرچم‌های سیاه، در اغلب موارد، بر شکست سفیانی در جنگ با خراسانی و پرچم‌های سیاه و بعد از آن، بیعت خراسانی با حضرت مهدی (عج) در مکه اتفاق نظر دارند. از میان این روایات، روایت اول (روایت اول جابر) از امام باقر (ع)[۳] (ابن حماد، ۸۴) و نیز نیز روایت دوم (روایت دوم جابر)، از آن حضرت[۴] (ابن حماد، ۸۵)، روایت چهارم (روایت اول ابی رومان) از امام علی (ع)[۵] (ابن حماد، ۸۶ و ۸۸) و همچنین روایت ششم (روایت سوم ابی رومان)، از آن حضرت (ابن حماد، ۲۴۶)[۶]، روایت هیجدهم (روایت سعید بن مسیب) از پیامبر اعظم (ص) (ابن حماد، ۵۲ و ۵۸)[۷] و روایت بیستم (روایت

---

۱. «تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَایَاتٌ سُودٌ لِبَنِی الْعَبَّاسِ، ثُمَّ یَمْکُثُونَ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ تَخْرُجُ رَایَاتٌ سُودٌ صِغَارٌ تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ أَبِی سُفْیَانَ وَ أَصْحَابِهِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، وَ یُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِیِّ» منابع زیر نیز این روایت را از ابن حماد نقل کرده است: (مقدسی شافعی، ۱۲۶؛ سیوطی، ۹۶/۲؛ متقی هندی، ۱۴۹؛ ابن طاووس، ۵۵).

۲. «تَخْرُجُ رَایَةٌ سَوْدَاءُ لِبَنِی‌الْعَبَّاسِ، ثُمَّ تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ أُخْرَى سَوْدَاءُ، قَلَانِسُهُمْ سُودٌ، وَ ثِیَابُهُمْ بِیضٌ...»

۳. «یَخْرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ بِکَفِّهِ الْیُمْنَى خَالٌ، مِنْ خُرَاسَانَ بِرَایَاتٍ سُودٍ بَیْنَ یَدَیْهِ شُعَیْبُ بْنُ صَالِحٍ یُقَاتِلُ أَصْحَابَ السُّفْیَانِیِّ فَیَهْزِمُهُمْ»

۴. «تَنْزِلُ الرَّایَاتُ السُّودُ الَّتِی تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ الْکُوفَةَ، فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِیُّ بِمَکَّةَ بُعِثَتْ إِلَیْهِ بِالْبَیْعَةِ»

۵. «إِذَا خَرَجَتْ خَیْلُ السُّفْیَانِیِّ إِلَى الْکُوفَةِ، بَعَثَ فِی طَلَبِ أَهْلِ خُرَاسَانَ، وَ یَخْرُجُ أَهْلُ خُرَاسَانَ فِی طَلَبِ المهدیِّ... فَتَظْهَرُ الرَّایَاتُ السُّودُ، وَتَهْرَبُ خَیْلُ السُّفْیَانِیِّ، فَعِنْدَ ذَلِکَ یَتَمَنَّى النَّاسُ المَهدیَّ وَ یَطْلُبُونَهُ»

۶. «تَخْرُجُ رَایَاتٌ سُودٌ تُقَاتِلُ السُّفْیَانِیِّ... وَعَلَى مُقَدِّمَتِهِ رَجُلٌ مِنْ بَنِی تَمِیمٍ یُدْعَى شُعَیْبَ بْنَ صَالِحٍ، فَیَهْزِمُ أَصْحَابَهُ»

۷. «تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَایَاتٌ سُودٌ لِبَنِی الْعَبَّاسِ، ثُمَّ یَمْکُثُونَ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ تَخْرُجُ رَایَاتٌ سُودٌ صِغَارٌ تُقَاتِلُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ أَبِی سُفْیَانَ وَ أَصْحَابِهِ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، وَ یُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِیِّ».

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

ارطاة) (ابن حماد، ۸۳-۸۴)[۱]، به روشنی بر این مطلب تصریح دارد.

برخی روایات نیز، بدون اشاره به شکست سفیانی، بر بیعت یاران خراسانی با حضرت مهدی (عج) اشاره دارد که روایت چهاردهم (روایت اول ثوبان) از پیامبر اعظم (ص) (مقدسی شافعی، ۶۰)[۲]، روایت هشتم (روایت معاذ بن جبل) از آن حضرت (ابن طاووس، ۱۳۷)[۳] و روایت سوم (روایت مرسل از امام علی علیه السلام) (ابن حماد، ۹۴)[۴] از آن جمله است. روایت دوازدم (روایت الحسن) از پیامبر اعظم (ص) (ابن حماد، ۸۶)[۵] و روایت یازدهم (روایت عبدالله بن مسعود) از آن حضرت (ابن حماد، ۸۴؛ ابن ابی شیبه، ۲۳۵/۱۵)[۶] نیز با تعبیر تسلیم پرچم قیام به امام مهدی (عج) و تسلیم قدرت و ولایت، به آن حضرت، به این موضوع اشاره دارد.

برخلاف روایات فوق، روایت نوزدهم (روایت هیثم بن عبدالرحمن) از امام علی (ع) (ابن حماد، ۱۹۸)[۷] فرجام قیام را در نزدیکی بیت المقدس و با مرگ صاحب قیام بیان می‌کند. البته این احتمال وجود دارد که این روایت، به جهت اختلاف فحوایی که با بقیه روایات دارد، بر خراسانی آخرالزمان منطبق نباشد.

٤. نتایج مقاله

۱ـ نام اصلی صاحب پرچم‌های سیاه، در روایات اهل سنت، «هاشمی» معرفی شده که

---

۱. «یَدْخُلُ السُّفْیَانِیُّ الْکُوفَةَ فَیَسْبِیهَا ثَلاثَةَ أَیَّام... وَتَبْعَثُ الرَّایَاتُ السُّودُ بِالْبَیْعَةِ إِلَی الْمَهْدِیِّ»

۲. «... ثُمَّ تَطْلُعُ الرَّایَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ... فَإِذَا رَأَیْتُمُوهُ فَبَایِعُوهُ وَ لَوْ حَبْواً عَلَی الثَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِیفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِی»

۳. «ثُمَّ یُقْبِلُ الرَّجُلُ التَّمِیمِیُّ شُعَیْبُ بْنُ صَالِحٍ سَقَی اللَّهُ بِلَادَ شُعَیْبٍ بِالرَّایَةِ السَّوْدَاءِ الْمَهْدِیَّةِ بِنَصْرِ اللَّهِ وَ کَلِمَتِهِ حَتَّی یُبَایِعَ الْمَهْدِیَّ بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ»

۴. «إِذَا خَرَجَتْ الرَّایَاتُ السُّودُ مِنَ السُّفْیَانِیِّ (الی)، التی فیها شُعَیْبُ بْنُ صالِحٍ تَمَنَّی النَّاسُ المهدِی فَیَطْلُبُونَهُ، فَیَخْرُجُ مِنْ مَکَّةَ وَمَعَهُ رایَةُ رَسُولُ اللّهِ صلَّی اللّه علیه و آله و سلَّم ...»

۵. «إِنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله ذَکَرَ بَلاءً یَلقاهُ أهلُ بَیتِهِ علیهم السلام، حَتّی یَبعَثَ اللّهُ رایَةً مِنَ المَشرِقِ سَوداءَ، مَن نَصَرَها نَصَرَهُ اللّه، ومَن خَذَلَها خَذَلَهُ اللّهُ، حَتّی یَأتوا رَجُلاً اِسمُهُ کاسمی، فَیُوَلّونَهُ أمرَهُم...»

۶. «... وَإِنَّ أَهْلَ بَیْتِی هَؤُلاءِ سَیَلْقَوْنَ بَعْدِی بَلاءً وَتَطْرِیدًا، وَتَشْرِیدًا، حَتَّی یَأْتِیَ قَوْمٌ مِنْ هَاهُنَا مِنْ نَحْوِ الْمَشْرِقِ، أَصْحَابُ رَایَاتٍ سُودٍ، یَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلا یُعْطَوْنَهُ، مَرَّتَیْنِ أَوْ ثَلاثًا، فَیُقَاتِلُونَ فَیُنْصَرُونَ، فَیُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا، فَلا یَقْبَلُوهَا حَتَّی یَدْفَعُوهَا إِلَی رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی...»

۷. «یَخْرُجُ رَجُلٌ قَبْلَ الْمَهْدِیِّ مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ بِالْمَشْرِقِ، یَحْمِلُ السَّیْفَ عَلَی عَاتِقِهِ ثَمَانِیَةَ أَشْهُرٍ، یَقْتُلُ وَ یُمَثِّلُ وَ یَتَوَجَّهُ إِلَی بَیْتِ الْمَقْدِسِ، فَلَا یَبْلُغُهُ حَتَّی یَمُوتَ»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

ممکن است به جهت نسبت او به بنی هاشم باشد، حتی در یک روایت، از اولاد امام حسین(ع) معرفی شده‌است. وی جوانی از بنی‌هاشم و دارای خالی در کف دست راست یا در کتف چپ است که مشخصه اصلی خراسانی است.

۲ـ از خراسانی و یاران او، به عنوان زمینه سازان ظهور حضرت مهدی (عج) یاد شده و بر ایمان و استواری او در راستای نیل به این هدف، تأکید شده‌است.

۳ـ فاصله زمانی بین خروج خراسانی و ظهور حضرت مهدی (عج)، ۷۲ ماه، و در یک روایت، هشت ماه تعیین شده‌است.

۴ـ مکان خروج خراسانی و پرچم‌های سیاه مشرق و طبق برخی روایات، خراسان بیان شده که مراد از هر دو، یک چیز است و آن سرزمین ایران است.

۵ـ فرمانده سپاه خراسانی، شعیب بن صالح، جوانی از بنی تمیم، دارای چهره‌ای زرد و صورتی کم‌ریش و در امور نظامی، بسیار قدرت‌مند بیان شده است.

۶ـ در روایات، محل نبرد خراسانی، با سفیانی، شهرهای مختلف از قبیل اصطخر، کوفه، قرقیسا و بیت‌المقدس تعیین شده‌است.

۷ـ رنگ پرچم‌های سپاه خراسانی، سیاه و طبق روایتی، کلاه‌خود آنان سیاه و لباس‌هایشان سفید بیان شده است.

۸- فرجام قیام خراسانی، یاری رساندن و بیعت با حضرت مهدی (عج) در مکه است و تنها یک روایت، فرجام آن را مرگ صاحب پرچم‌ها در نزدیکی بیت‌المقدس بیان کرده است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن أبی شیبة، أبوبکر، المصنف فی الأحادیث و الآثار، مکتبة الرشد، الریاض، ۱۴۰۹ق.

۳. ابن حماد، نعیم، الفتن، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۳ق، چاپ دوم.

۴. ابن حنبل، أحمد بن محمد، مسند احمد، تحقیق: عادل مرشد، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۲۱ق.

۵. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (معروف به "ملاحم والفتن")، تحقیق و تصحیح: مؤسسه صاحب الامر، صاحب الامر، قم، ۱۴۱۶ق.

۶. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، تحقیق و تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۱۴۰۴ق.

۷. ابن ماجة قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجة، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بیروت، بی‌تا.

۸. همو، سنن ابن ماجة، تحقیق: بشار عواد معروف، دارالجبل، لبنان، ۱۴۱۸ق.

۹. ابن منادی، احمد بن جعفر، الملاحم، دار السیرة، قم، ۱۴۱۸ق.

۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میردامادی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۱۱. بنیاد دایرة المعارف اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۷–۱۳۹۷.

۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.

۱۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی‌الصحیحین، دارالکتب العلمیة، بیروت،۱۴۱۱ق.

۱۴. خطیب بغدادی، أبوبکر أحمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق: بشار عواد، دارالغرب الإسلامی، بیروت، ۱۴۲۲ق.

۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ش

۱۶. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۱۷. زمخشری، محمود، الفائق فی غریب الاثر، تحقیق و تصحیح: ابراهیم شمس‌الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ق.

۱۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، جمع الجوامع، الازهر، مصر، ۱۴۲۶ق.

۱۹. همو، العرف الوردی فی أخبار المهدی، تحقیق: محمد کاظم موسوی، مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیة، تهران، ۱۳۸۵ش.

۲۰. شاملو، سعید، مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، رشد، تهران،۱۳۸۲ش.

۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.

۲۲. طوسی، محمدبن حسن، الغیبة، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، دار المعارف الاسلامیة، قم، ۱۴۱۱ق.

۲۳. عاملی، بهاءالدین محمد بن حسین، الوجیزه فی الدرایة، موسسه بصیرتی، قم، ۱۳۹۸ق.

۲۴. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.

۲۵. کورانی، علی، عصر الظهور، دفتر تبلیغات، قم، ۱۴۰۸ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

۲۶. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنزالعمال، تحقیق: بکری حیانی و صفوة السقا، مؤسسةالرسالة، بی‌جا، ۱۴۰۱ق.
۲۷. همو، کنزالعمال، تحقیق: بکری حیانی و صفوة السقا، چاپ پنجم، مؤسسةالرسالة، بی‌جا، ۱۴۰۱ق.
۲۸. مدیر شانه‌چی، کاظم، درایهٔ الحدیث، مرکز نشر اسلامی، قم، ۱۳۶۴ش.
۲۹. مسعودی، علی بن الحسین، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵ش.
۳۰. معارف، مجید، تاریخ عمومی با رویکرد تحلیلی، کویر، تهران، ۱۳۹۵ش.
۳۱. مفید، محمد بن مجمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۲. مقدسی شافعی، یوسف، عقدالدرر فی اخبار المنتظر، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۴۲۸ق.
۳۳. یاقوت حموی، شهاب الدین، معجم البلدان، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۳ق.
۳۴. جامع الاحادیث، نسخه ۳/۶ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
۳۵. المکتبه الشامله.
۳۶. مهدویت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.7.3]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]